

## آئین هیپی

هیپیکری اندیشه جدیدی است که در برابر « فلسفه اصالت عقل » قرار دارد .

مفهوم اصلی این کلمه محل اختلاف است . دسته‌ای این کلمه را از **hip** مشتق میدانند و آنرا در معنای « خراب کردن شادی و سرور » (۱) بکار می‌برند .

بعضی آنرا از لغت **hipsters** میدانند، یعنی خراب کردن. جوانانیکه تحت تأثیر آثاررمان نویس معروف «برهنگان و مردگان» قرارداشتند از نسل-واخورده برآشفته و این اصطلاح را بکاربرند. (۲)

آئین هیپی نوعی فلسفه عرفانی جدید است. عرفان قدیم تحت تأثیر اصول اجتماعی جامعه «دهقانگرائی» قرار دارد ولی این عرفان از خصوصیات جامعه صنعتی است. چون بنیاد جامعه جدید در انقلاب صنعتی انگلستان نهفته است و امریکا وارث آنست، بطور خصوصی میتوان آنرا اندیشه‌ای انگلیسی و آمریکائی دانست که ریشه قدیمی در تاریخ دارد دارای آثار و نتایج زیر است:

### 1 - Interjection

۲- این تعریف یکی از رباعیات فارسی را بخاطر می‌آورد:

|                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| ایام شبایست شراب اولیتر      | با سبز خطان باده ناب اولیتر |
| عالم همه سر بسر رباطیست خراب | در جای خراب هم خراب اولیتر  |

پس از جنگ جهانی ۴۶-۱۹۳۹، دونیروی بزرگ در جهان وجود داشت، یکی جامعه سوسیالیستی و دیگری جامعه بورژوازی. سپس نیروی سومی بوجود آمد که «هیپیگری» نام گرفت که دین را اصل قرارداد و با اصول فلسفه مادی و دونیروی مذکور به مخالفت برخاست.

این دین میان خدا و دانش نوین «داروشناسی روانی» (۱) ارتباط ایجاد کرد و معتقد شد که در بیماریهای روحی (۲) میتوان از داروهای شیمیائی استفاده کرد در نتیجه داروهای مختلف مخصوصاً ال-اس. د. ۲۵، برای شناخت خدا بکار رفت و نیرومندی آن باندازه ای رسید که دولت امریکارا مجبور ساخت اقدامات شدیدی در برابر این اندیشه معمول دارد. در نتیجه این اعتقاد، این نهضت را عرفان شیمیائی نیز نام نهادند.

این آزمایش روانشناسی را، در امریکا، در ژانویه ۱۹۵۹ تی موتی لیری (۳) که سی و هشت سال داشت و دکتر در روانشناسی بود آغاز کرد. لیری دارای اصالت خانوادگی ایرلندی است. ابتدا به مذهب کاتولیک عقیده داشت ولی سپس به «دین هندو» گروید و به «مرکز تحقیقات درباره شخصیت» (۴) در دانشگاه هاروارد، وارد گردید.

دراوت ۱۹۶۰ دکتر لیری، داروئی بنام «هالوسوسین» (۵) را آزمایش کرد و مورد اعتراض دانشمندان دانشگاه هاروارد قرار گرفت.

در ژانویه ۱۹۶۱، سازمان «بررسی روح انسان» (۶) در دانشگاه کالیفرنیا تشکیل گردید که بیست و شش مقام علمی و ادبی در آن شرکت داشتند. در این مؤسسه «الدوس هو کسلی» گفت:

1 - Psychopharmacologie

2 - Psychiatrie

3 - Tumotty teary

4 - Centre de recherches sur la Personnalité

5 - Hallucinagènes

6 - Controle de l'esprit humain

« برخی از داروهای شیمیائی میتواند در روح انسان افزونی ایجاد کند یا تولید نفرت کند و فکر انسان را از محدودیت بیرون آورد.»  
 سپس هو کسلی بالیری ملاقات کرد و آندو بایکدیگر متحد شدند.  
 در مه- اکتبر ۱۹۶۱، لیری با همکار بیست و هشت ساله خود، ریچارد- آلبرت، درهاروارد به تجربیات خویش ادامه داد، دانشجویان دانشگاه رامجذوب کرد و داروی پسی لوسی لین (۱) را ساخت ولی برخی از دانشمندان باو توصیه کردند دست از اینگونه آزمایشات بردارد باوجود این بزودی داروی نیرومند تری (۲) ساختند و آنرا در جهان رواج دادند. در سال ۱۹۶۲ این دارو و همچنین ماری جوانا و مسی کالین (۳) در میان دانشجویان و نسل و اخورده طرفداران زیادی یافت.

در پائیز ۱۹۶۲، لیری و فدراسیون بین المللی آزادی بین المللی (۴) را تأسیس کرد. از این گروه اولین دسته هیپیان بیرون آمدند.  
 در بهار ۱۹۴۶، لیری و آلبرت تحت بازجوئی همکاران خود واقع شدند و از کادر تعلیماتی دانشگاه هاروارد معزول گردیدند.  
 در سال ۱۹۶۴، لیری با اتفاق رالف متز نر (۵) «مجله پسی شدلیک» (۶) را تأسیس و منتشر کرد و طرفداران بسیاری یافت.

پسی شدلیک لغت جدیدی است که لیری و تز آنرا اختراع کردند؛ یعنی: بطور عمومی امری که موجب تحریک روح میشود و بطور خصوصی گسترش معرفت است از طریق داروهای خیال انگیز مذکور و برخی داروهای دیگر. در تکمیل این تعریف باید لباسها و مراسم مخصوص رستورانها و فیلمها و ادبیات و

- 1 - Psilocyline
- 2 - L. S. D. 25
- 3 - Mari juana, Mescaline
- 4 - I. F. I. F.
- 5 - Ralph Metzner
- 6 - Psychédéliyne

نمایشات را بر آن افزود. بهمین جهت میتوان آنرا عرفان آزمایشگاهی (۱) نام نهاد.

اندکی بعد لیری از کتاب مردگان تبتی اقتباس کرد و آنرا با افکار آمریکائیان مطابقت داد و از آن کتاب «تجربه پسی شدلیک» را ترتیب داد در این کتاب نشان داد که داروچگونه میتواند مغز را از ساختمان معمولی آزاد سازد و انسان را به نامحدود برساند که در حقیقت سفری است به ملکوت.

سپس لیری در کتاب «طریقه و تقوی» تألیف لائوتسه، دست برد و با استفاده از آن اثر «نمازهای پسی شدلیک» را نوشت. باین ترتیب علم بادیین ارتباط یافت و تجربه شیمیائی بصورت عرفان جلوه گر گردید. خدا و روح با دارو ترکیب یافت و دین شیمی بادیین صنعتی ظاهر شد.

در ژانویه ۱۹۶۶ هفت جامعه اولیه نمودار گردید و هیپیها در جنگل های سانفرانسیسکو و کالیفرنیا و نیویورک استقرار یافتند.

با وجود مخالفت شدید دولت آمریکا، این پدیده در کلیه دانشگاهها نفوذ کرد.

در سپتامبر همین سال لیری تشکیل دین جدید را بنام «اتحاد اکتشاف روحانی» اعلام داشت. سپس یکی از یاران لیری دین مشابهی بنام «کلیسای آمریکای نو» تأسیس کرد.

در اکتبر ۱۹۶۶، در سانفرانسیسکو آئین مخصوص عشق میان موجودات روحانی، تحت عنوان «عشق درون» انجام شد و تعداد بیست و هشت هزار دختر و پسر جوان در آن شرکت کردند.

در سال ۱۹۶۷، هیپیها در فرانسه راه یافتند. و «نیروی گل (۲)» نام گرفتند زیرا نظیر بی تلها در مو و لباسهای رنگارنگ خود گل قرار میدادند.

1 - Mysricisme en laboratoire

2 - Flower power

در سپتامبر ۱۹۶۷ لیری به جنون «خودبزرگ بینی» (۱) مبتلا گردید و رفتار او موجب تفرقه و جدائی در آئین جدید شد گروهی از هیپی ها که بخطر داروها پی بردند برای رفتن به حال جذبه و خالصه بوسائل عرفانی دیگر توجه کردند .

باین ترتیب داروهای خود را به تمرینات مرتاضی داد. در نتیجه در اکتبر ۱۹۶۷ در جایگاه عمومی هی پی ها آنچه داشتند آتش زدند از قبیل گردن بند - لباسهای گلدار - مجله ها - تصویر و کتب لیری و غیره .

هنوز خاکستر این نهضت از میان نرفته بود که جنبش «برادری مردم آزاد» جانشین آن شد رهبر جدید هندوی خردمندی است که مهر بابا نام دارد .

مهر بابا ، با کلیه داروهاییکه در نظر لیری گرامی بود مخالفت کرد ؛ برخی از او اطاعت کردند و بعضی دیگر نه . ولی اصول این نهضت بنیاد کار قرار گرفت .

در ژانویه ۱۹۶۸ ، آئین جدید قدرت یافت و در حدود دومیلیون طرفدار بدست آورد. این گروه رامیتوان «قری بی» (۲) نام نهاد.

انتخاب آتادار مهر بابا بعنوان رهبر چون از اهالی هند است نشان بر خورد و اتحادادیان مسیح و بودا و فلسفه انسان خدا است. (۳)

\*\*\*

بنیاد دیانت هیپی رامیتوان در پنج اصل دانست .

### ۱- مخالفت با «فلسفه اصالت ماده» و بازگشت به طبیعت.

دو نیروی بزرگ جامعه صنعتی کنونی بر بنیاد اقتصاد قرار دارد .

### 1 - Meyalomonie

### 2 - Freebie

۳-مبحث تاریخی و همچنین اصول اولیه آئین هیپی از اثر زیر اقتباس

شده است :

Michel jancelot : je veux regarder Gieu en face, Paris, 1968

نیروی سوسیالیستی جهان طرفدار فلسفه اصالت ماده است و بخدا معتقد نیست .

نیروی جامعه سرمایه داری گرچه ظاهراً از فلسفه اصالت ماده پیروی نمی کند ولی در رفتار پیرو آنست در این گروه دین و خدا تا حدودی معتبر است که برای انجام مقاصد اقتصادی سودمند باشد و به پیشرفت سود سرمایه داران لطمه وارد نسازد .

چون آئین هیپی به فلسفه اصالت ماده معتقد نیست نمیتواند با اصول اجتماعی هیچیک ازدو نیروی مذکور موافق باشد بهمین جهت حکومت دلار را محکوم میسازد و به ادیان جهان و خدا پناه میبرد و هم آهنگی بزرگ نژادهای انسانی را طالب است از این نظر جنبشی است بین المللی که از نظام کلی جامعه کنونی، مخصوصاً بورژوازی تنفر دارد. در باره کلمه نظام بطور کلی معتقد است که باید «همه چیز را شکست» در مورد جنبه فلسفی آن عقیده دارد «در روی زمین هیچکس نالایق نیست باید همه چیز را از میان بردحتی در صورت لزوم خود را. کشتار دیگران را نیز باید باخنده پاسخ داد» .

در نتیجه بازگشت به طبیعت شعار این گروه است . ریشه این اندیشه متعلق به آئین انقلابی قرن نوزدهم مبنی بر تخریب کلیه شئون اجتماعی است . (۱)

۱- حریم عشق را در گه بسی بالا تر از عقل است

کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد

( حافظ )

حافظا ترك جهان گفتن طریق خوشدلیست

تا نپنداری که احوال جهانداران خوشست

\*\*\*

زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است  
سروش عالم غییم چه مژدها دادست  
نشیمن تونه این کنج محنت آباد است  
ندانمت که در این دامگه چه افتادست

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود  
چگویمت که بمیخانه دوش مست و خراب  
که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین  
ترا زکنگره عرش میزنند صغیر

( حافظ )

ژان ژاک روسو فیلسوف بزرگ نیز از جمله کسانیست که در مقابل آئین عقل (۱) قدرافراشت و در آثار خویش پیشرفت دانش و تمدن را موجب تباهی انسان دانست و در کتاب «امیل» بستایش دین پرداخت. روسو در تحقیقات خود اختلاف تربیت الهی و بدیهائی را که انسان بجهان وارد کرده است یادآور شد و عقل فلاسفه و مردم جهان را محکوم ساخت و معتقد شد که تعلیمات جدید با عقل سالم سازش ندارد.

عقل بمفهوم جدید موجب است که ما بخود اعتماد کنیم و به خطاهای عقلانی توجه نداشته باشیم. انسان باید «خود آگاه» را که منزله از گمراهی است راهنمای خویش سازد. بهمین جهت قهرمان موضوع تربیت در کتاب روسو، در خارج از قلمرو تمدن پرورش مییابد و در محیط طبیعت بسر میبرد. این خاصیت گریز از جامعه صنعتی و بازگشت به طبیعت از اصول اولیه آئین هیپی است. هیپی از کار کردن و شستشو و نظام اجتماعی روی گردان است از زندگی ماشینی و صدای گوش خراش راه آهن و فونی کولر و نظائر آن بیزار است و جز بار پشت خود بچیزی علاقمند نیست.

## ۲- عدم توسل بزور و خشونت:

در نظر هیپی دلار خدای جامعه سرمایه داری است و جز تجارت و پول سخنی در میان نیست. جامعه متمدن کنونی برای پیشرفت مقاصد اقتصادی خود طرفدار جنگ است بنابراین خدای آنها خدای آئین هیپی نیست زیرا بعقیده این گروه خدا نمیتواند طرفدار جنگ باشد.

عکس العمل آنان در برابر ناملایمات اجتماعی نوین کناره گیری اجتماعی و سیاسی بدون توسل به زور و تند خوئی است که انسان اراده میکند بطبیعت بازگردد.

این گریز مسالمت آمیز نتیجه پست شمردن طرق سود جوئی زندگی آمریکائی است که هیپی بجای آن عشق هم نوع را قرار میدهد و تنها یک جنگ

۱- در باره بازگشت به طبیعت از آثار Thoreau نیز می توان استفاده کرد.

را جایز میدانند و آن مبارزه درونی است .  
 بهمین جهت فلسفه هیپی اندرز میدهد که « عشق بورزید و جنگ  
 نکنید » . (۱)

### ۳- گسترش معرفت درونی:

در این آئین ، مانند دیانت هند ، معرفت از طریق توجه به شخصیت  
 نامحدود انسان بوجود می آید .

هریک از افراد باید حقیقت وجود خود را دریابد و به ارتباط افراد  
 آدمی بایکدیگر آشنا گردد تا بتواند با کشف حقیقت درونی خود بپردازد.  
 يك روحانی هیپی میگوید :

« ما چون عیسی و بودا ، اصلاح کنندگانیم . در عصر شیمی که رموز  
 عرفانی کمین میکشد باید خدایا در هر يك از خود بیایم و هم آهنگی عظیم کلیه  
 نژاد های انسان را فراهم آوریم » (۲)  
 بهمین جهت است که جوانان « نیروی گل » مانند ، رابیندرانات تاگور  
 معتقدند :

« شخصیت نامحدود انسان کامل نمیکردد مگر در يك هم آهنگی عظیم  
 کلیه نژاد های انسانی » .  
 بازم در تکمیل همین عقیده است که « آئین میشل » در کتاب خود از  
 « لوئیس » نقل میکند که :

« خدایان روبروی ما با ما سخن نمیگویند مگر وقتی که خودمان دارای  
 يك چهره باشیم » . (۳)

### 1 - Je veux reyarder

صفحه ۴۸-۴۹

### 2 - Crinsberg, Natts, Huxley

### 3 - Je veux regarder ...

صفحه ۱۹

ساقی بیار آبی از چشمه خرابات تاخرقه‌ها بشوئیم ازعجب خانقاهی

\*\*\*

ز فکر تفرقه بازآی تاشوی مجموع بحکم آنکه چوشداهر من سروش آمد

\*\*\*

در بحر مائی و منی افتاده‌ام بیار می تا خلاص بخشم از مائی و منی

( حافظ )



این شعار اشعار حافظ را چنین در خاطر انسان زنده میسازد :  
 بر در میخانه رفتن کار يك رنگان بود  
 خود فروشان را بکوی می فروشان راه نیست  
 هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست  
 ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست  
 بنده پیر خراباتم که لطفش دائمست  
 ورنه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست  
 حافظ از بر صدر ننشیند ز عالی مشربست  
 عاشق دردی کش اندر بند مال و جاه نیست

#### ۴- مستی و راستی :

برای نفوذ در قلمرو مجهول نامحدود ، از طریق دارو های شیمیائی میتوان معرفت درونی را گسترش داد و بعالم حقیقت الهی راه یافت . خدای حقیقی نه مرده است و نه گم شده است ، بلکه در درون اندیشه ، در انتظار انسان است . داروهای پسی شدلیک مسافرت در طریق قدرت نامحدود را آسان می سازد و خدا در برابر آدمی قرار میگیرد ، (۱) باین ترتیب جهان ارواح بسته نیست بلکه روح افراد است که بسته است .  
 اگر قلب مردم از مردگی نجات یابد و دروازه های ادراك پاك گردد همه چیز بر انسان آشکارا خواهد شد و بعالم نامحدود راه خواهد یافت .

داروهاییکه انسان را بعالم نامحدود می برد نوعی مستی ایجاد میکنند هیپی را دیوانه خدا می سازد . بکار بردن داروی شیمیائی از کیفیت مخصوص جامعه صنعتی است زیرا در جامعه های قدیم ، این مستی بصورت های دیگری وجود داشته است و امری تازه نیست (۲) تفاوت دنیای قدیم با جدید در اینست

۱- درباره اثر روانی داروها رجوع شود به : Walter Stace :  
 Mysticisme et philosophie Crearye Stephon sp-  
 inks : Psychologie

۲- بهیچ روی نخواهند یافت هشیارش

چنین که حافظ ما مست باد از لست

\*\*\*

حافظ از چشمه حکمت بکف آور جامی

بوکه از لوح دلت نقش جهالت برود

که ، در گذشته برای ارتباط بین محدود ، و نامحدود از مواد گیاهی استفاده میکردند ولی دردنیای کنونی مواد شیمیائی جانشین آن شده است.

در هندوستان بنگ موجب تسهیل اندیشه مذهبی است (۱) و داروی دیگر شاهدانه وحشیش است که در امریکا بنام ماری جوآنا معروف است . در تاریخ هندوستان سوما گیاهی ناشناس است که کلید معرفت الهی است ، در کتب ریگ-ودا از این دارو نام برده شده است همانطور که در اوستا از هئوما HAOMA سخن بمیان آمده است .

در ادبیات ایران باستان برخی از گیاهان دارای ارزش بسیار است و منشأ پیدایش سرودها و مراسم مخصوص خدایان میباشد . این اثر مخصوصاً در شیره گیاه مقدس ، سوما SOMA در زبان سانسکریت ، یا « هئوما » در اوستا است .

عصاره این گیاه را میچوشانند بحدی که دارای رنگ شود . استعمال این مایع در موقع قربانی یکی از کهن ترین و بهترین رسمهای عبادت آریائی-هاست . این نوشابه را روی آتش میریختند، الکلی که در آن موجود بود سبب اشتعال آتش میگردد.

روحانیان نیز در موقع اجرای مراسم عبادت بقدر کفایت از آن می نوشیدند . این نوشابه نه تنها مقدس و گرامی بود ، بلکه برای این گیاه ، درجه خدایی قائل بودند .

سوما یکی از خدایان مقتدر بود که مورد پرستش و احترام محسوب میشد ، وی در موقع رأفت نیکوکار و بهنگام غضب خطرناک و قهار بود . این خدا گاهی نیز بخدایان دیگر قدرت و بزرگی می بخشید .

زرتشت مراسم قربانی و ریختن شراب بر خاک و رسم سوما را که نزد ایرانیان و هندیان بسیار محترم بود از آداب مذهبی حذف کرد . با وجود

این آئین سوما درغالب مراسم زرتشتیان نفوذ فراوان دارد. (۱)  
در اینجا است که حرمت ریختن شراب بر خاک در دیانت زرتشت باغزل  
حافظ ارتباط مییابد :

اگر شراب خودی جرعه ای فشان بر خاک  
از آن گناه که نفعی رسد بغیر چه باک  
برو بهره تو داری بخور، دریغ مخور  
که بی دریغ زند روزگار تیغ هلاک  
بخاک پای تو ای سرو ناز پرور من  
که روز واقعه پا را مگیرم از سرخاک  
چه دوزخی چه بهستی چه آدمی چه پری  
بمذهب همه کفر طریقتست امساک  
مهندس فلسکی راه دیرش جهتی  
چنان بیست که ره نیست زبردیر مفاک  
فریب دختر رز طرفه می زنده ره عقل  
مباد تا بقیامت حرام طارم تاک  
براه میکده حافظ خوش از جهان رفتی  
دعای اهل دلت باد مونس دل بساک  
در فرهنگ اسلام و ادبیات عرب، مخصوصاً اسماعیلیان فاطمی برای  
خوشبختی روح حشیش را تجویز کرده اند، از این مذهب فرقه حشاشین  
بیرون میآید که رئیس آن حسن صباح بود و در ۱۲۱۸ قوم مغول آنرا از  
میان برد. (۲)  
بطور کلی حشیش گیاه مقدس دسته هائی از دراویش اسلام نیز بشمار  
می رود.

۱- محمد معین : مزدیسنا و ادب پارسی، جلد اول ۴۰۱-۴۹

2 - Jean Servier : le Haschich et les rêves  
de pouvoir .

برخلاف قرآن، در قرن دوازدهم میلادی عرفای اسلام از الکل شرابی مقدس می سازند بهمین جهت نزد شعرای صوفی الکل شعار معرفت الهی است (۱) دردیانت تائو که زیر بنای تحقیقات داروئی لیبری است نوعی مراسم مذهبی معمول است .

در این دین تریاک و الکل و رقص کلید معرفت تائو است ، که مؤمنین برای تقدیس و تکمیل آئین دینی بکار میبرند .  
در حدود قرن یکم قبل از میلاد یهودیان برای اینکه وارد عالم اشراق شوند تریاک بکار می بردند و شراب ترك نفس و فراموشی می آشامیدند و از گل خشخاش استفاده میکردند (۲)

در مصر قدیم و یونان و روم و اروپای قبل از مسیحیت برای معرفت الهی داروهائی بکار میبردند . هرودوت از داروئی بنام «تخم شاهدانه» حکایت می کند . دردیانت مسیح شراب خون حضرت عیسی است (۳) در هر حال در هر يك از ملل جهان بنوعی داروی معرفت الهی موجود است که از برخی از آنها کارشناسان هیپی بهره بردند و مواد جدید شیمیائی را ساختند .

بطور کلی هم بستگی هیپیان دارای در وجه است یکی وجه درونی است

۱- در ادبیات ایران همواره ، نمیتوان می را در معنی حقیقی بکار برد، بلکه دارای مفهوم مجازی و عرفانی است. مست عشق الهی با مستی الکل تفاوت دارد و اشعار عرفای ایران این حقیقت را آشکار میسازد :

دیدیم و مطرب و ساقی همه اوست  
خیاں آب و گل در ره بهانه  
بده کشتی می تا خوش برانیم  
از این دریای ناپیدا کرانه  
(حافظ)

## 2 - Je veux regarder

۳- همان کتاب

صوفی بیا که آینه صافیست جام را  
تا بنگری صفای می لعل فام را  
راز درون پرده زردندان مست پرس  
کاین حال نیست زاهد عالی مقام را

که بوسیله دارو است دیگری وجه بیرونی است که آن عشق برادرانه ایست که دزمیان آنها برقرار است .

### ۵- عشق .

چون معرفت الهی از طریق توجه به «من ذرونی» امکان دارد بنابراین دین حقیقی در قلب است (۱) و در هیچ صورت وزبانی وجود ندارد ، همچنین متعلق به ملت و نژاد مخصوصی نیست . بنابراین هر کس باید راه خود را برود تا بخدا برسد .

این خدا که از سفر درونی در قلب نمایان میگردد «عشق» است و چون از طریق تحقیق شخصی بدست میآید انسان باید بفرمان وجدان رفتار کند نه بدستور اشخاص زیرا دین الهی در قلب انسان است .

«عشق خدا» طرفدار صلح و متعلق به همه افراد بشر است .

نسل جدید دنیای غرب از خدای جدید که «خدای عشق گل» نام دارد میخواهد آلودگیهای گذشته را بشوید و مانند خداوند دلار از جنگ و ستیز بپرهیزد و طرفدار صلح و عشق بنوع انسان باشد . بهمین جهت مذهب هیپی می گوید :

« دست خود را دراز مکن مگر اینکه بخواهی دست دیگری را فشار

دهی .»

هنگام ارتباط با یکدیگر میگویند: سلامت باش - عشق . هنگام خدا-

۱- می بده تا دهمت آگهی از سر قضا  
که بروی که شدم عاشق و از بوی که منست  
نام امید از در رحمت مشوای باده پرست  
کمر کوه کمست از کمر مور اینجا

\*\*\*

صوفی از پرتو می راز نهانی دانست  
قدر مجموعه گل مرغ سحر داندوبس  
که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست  
بجز از عشق تو باقی همه فانی دانست  
عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده

\*\*\*

دیده آینه دار طلعت اوست

دل سر پرده محبت اوست

(حافظ)

حافظی یکدیگر را برادر خطاب میکنند ولی بدون تأسف از یکدیگر جدا می شوند .

هنگام دعوت میگویند : باما بیا . نقاب از چهره دور کن ، لباس را بدر آور ، خوش باش ، چرا نمیخواهی خوشبخت باشی .

جمله «ما شمارادوست داریم» شعار هیپی است که با عشق ارتباط دارد.

خدای هیپی مانند ، خدایان ادیان گذشته ، وجود برتر نیست ، دارای تبلیغات زیاد و افسانه‌های فراوان نمیباشد . خدائست بدون سابقه و جاویدان عرفانی و جهانی خدای شادی بخش و زیان رسان ، گشاینده روح و خرد ، اندیشمند که در هر یک از افراد بشر یافت میشود ، پدر انسان و سایر خدایان است . در هر حال دارای نبوغ و حقیقتی مسلم و عشق کامل است . (۱)

باین ترتیب اصول این دین را میتوان سه قسمت کرد . یکی «متافیزیک» دیگری «مسائل اجتماعی» و سومی «اخلاق» اگر این سه اصل را بایکدیگر مورد توجه قرار دهیم میتوانیم عرفان هیپی را دین نام بگذاریم .

این دین از طریق تجربه بدست میآید و عشق همگانی و معرفت کل است . دردیانت هیپی تنها دین قابل قبول آنست که عشق ورزیدن و خدمت بهمگان را بانسان یاد بدهد ، حقیقت جاویدان عشق یعنی آنچه که او را خدا مینامند . در ادیان بزرگ جهان همه جا سخن از عشق بمیان است . ولی آنچه از فلسفه عشق که بنیاد دین هیپی است به ادیان مسیح ، هندو و بودا تعلق دارد . مقصود هیپی اینست که مانند عیسی در مسیحیت و کریشنا در هندو بودا ، زندگی کند . طبق دستور عیسی و بودا دیگران را دوست بدارد و مانند دین هندو خدای خود را عشق کل قرار داده ورستگاری را در طریق معرفت و عشق بداند . از این نظر است که زندگی آنان به مسیحیان ابتدائی شباهت دارد .